



پیام

سازمان مجاهدین خلق ایران
به

کلیه نیروهای انقلابی میهن :
دمکراتهای انقلابی و انقلابیون کمونیست

اسفند ۱۳۵۶

مُلغَطامَه

در چاپ دوم - پیام سازمان مجاهدین خلق ایران به کلمه نیروهای انقلابی میهن؛
 دموکراتهای انقلابی و انقلابیون کمونیست - چند اشتباه نامی رخ داده است که
 بدینوسیله تصحیح میشود .

صفحه	غلط	صحیح
۷	سرنگونی قهرآمیز سرمایه‌داری	سرنگونی قهرآمیز سرمایه‌داری
۱۱	بیلیارد	بیلیارد
۲۰	تحت سلطه امپریالیسم	تحت سلطه به امپریالیسم
۱۱	دعوت مینماید	دعوت مینمایند
۲۱	مارکسیسم لنینیسم	مارکسیسم لنینیسم
۸	مینمائیسیم	مینمائیسیم
۷	میگیسرد	میگیسرد
۶	برقراریاد رژیم جمهوری	برقراریاد جمهوری
۱۴	خوشاوندان	خوشاوندان
آخر		

پیام
سازمان مجاهدین خلق ایران
به
کلیه نیروهای انقلابی میهن:
دمکراتهای انقلابی و انقلابیون کمونیست

به استقبال جنبش او جگرنده توده‌ها برویم!
سرکونی قهرآمیز سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم
شاه‌خائن را تدارک ببینیم!
رویزیونیستها، رفرمیستها، سازشکاران و تسلیم‌طلبان
را افشاء و طرد کنیم!

هموطنان مبارز! دمکراتهای انقلابی! انقلابیون کمونیست!
باردیگر جامعه و جنبش انقلابی میهن ما وارد در مرحله
حساسی از تاریخ حیات خود میشود. رشد مناسبات سرمایه-
داری در جامعه که مخصوصا با به جریان افتادن بیلیاردها
دلاردآمد ناشی از حراج نفت در چند ساله اخیر، شتاب
فوق‌العاده‌های گرفته است، از یکسو تضادها و تناقضات عمیق

و ذاتی رژیم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم شاه خائن را شدید کرده و از سوی دیگر و همراه با حاد شدن و اوجگیری این تضادها، با مرزبندی قاطع‌ترین طبقات و قشرهای مختلف جامعه و مخصوصاً با مرزبندی قاطع‌تر بین بورژوازی و طبقات زحمتکش خلق، به مبارزات و جنبش‌های توده‌های زحمتکش و قشرهای زحمتکش و بخصوص به مبارزات کارگران و توده‌های زحمتکش شهری و خرد بورژوازی انقلابی شهر، که اساساً بیان تضاد آشتی ناپذیر توده‌های زحمتکش و مبارز خلق ما با امپریالیسم و رژیم وابسته‌ی مغفور و تبهکار شاه می‌باشد، اوج و توان تازه‌ای بخشیده است. این اعتلاء نوین که از اولین علائم شد ر جنبش‌حق طلبانه و قهرآمیز توده‌های زحمتکش خارج از محدوده تهران، در تظاهرات پرشکوه و خشم‌آلود دانشجویان سراسر کشور، در تظاهرات خونین مردم مبارز قم و بالاخره در خروش خشم‌آلود مردم قهرمان تبریز، لرزه برپیکر رژیم دست‌نشانده شاه انداخته است، می‌رود تا به یک توفان عظیم انقلابی و سراسری تبدیل گردد.

رژیم شاه در برخورد با بحران‌ها و تضادهای ذاتی سیستم و در اثر فشار و مبارزات توده‌های قهرمان ما و افشای ماهیت ددمنشانه‌اش در جهان و در اثر تخییراتی که مبارزات خلقهای کشورهای تحت سلطه امپریالیسم در جهت ارائه چهره لیبرال نمایانهای برای اعمال سلطه‌اش تحمیل نمود، می‌کوشد تا چهره کریه خویش را که در سالهای گذشته به بارزترین شکلی عریان شده بود، در پوششی از لیبرال‌نمایی استتار نماید و لی جنبش‌ها و جگیرنده خلقهای ما در اولین گامهای برآمدن نینش

حد و مرز این لیبرال نمایی رژیم تبه‌کار شاه را فاش ساخت و با تشدید مبارزاتش و با دریدن نقاب لیبرال نمایی از چهره رژیم مزدور و فاشیست شاه، نشان داد که خواست او نه لیبرال-لیسمی محدود - که چیزی جز لیبرالیسم برای اقشار دیگر طبقه حاکمه و اختناق و سرکوب و دیکتاتوری برای خلق نیست - بلکه دیکراتیسمی پیگیر است که تنها با سرنگونی قهرآمیز رژیم شاه و حاکمیت امپریالیسم و استقرار حاکمیت خلق میسر است .

تحولات درونی جامعه را همچنین از جهت دیگری نیز باید مورد توجه قرار داد، رشد مناسبات سرمایه‌داری به پیدایش قشر وسیعی از سرمایه‌داران متوسط (بورژوازی لیبرال) که سهمی در قدرت حاکمه ندارند منجر گردید . این امر رژیم شاه را حتی از طرف قشرهای وسیعی از خود طبقه حاکمه یعنی از طرف بورژوازی لیبرال نیز - علاوه بر توده‌های خلق - مورد فشار قرار داد . بدین ترتیب بقا و حیات رژیم شاه امروز نه تنها از طرف طبقات دیکرات جامعه، از طرف پرولتاریا، دهقانان فقیر و میانه حال و خرد بورژوازی انقلابی شهر، مورد تهدید انقلابی قرار گرفته، بلکه این رژیم حتی از طرف قشر وسیع بورژوازی لیبرال نیز مورد مخالفت‌هایی قرار گرفته است . چنین وضعیتی در عین اینکه خود نشانه دیگری از ناگزیری انقلاب دیکراتیک در ایران و بسرازمی سقوط و نابودی افتادن قدرت شاه و الیگارش‌های حاکم را به همراه دارد، اما مسایل و خطراتی نیز در پیش‌پای انقلاب ایران و نیروهای انقلابی و کمونیستی جامعه قرار می‌دهد .

در مرکز این مسایل و خطرات، موضوع نفوذ ایدئولوژیک

بورژوازی لیبرال و هژمونی سیاسی و سازمانی آن در انقلاب
د مکرانیک ایران قرار دارد، خطر بزرگی که پیگیری و پیروزی
واقعی انقلاب ایران را مورد تهدید جدی قرار داده و هرآینه
با شدیدترین قوا به مقابله سیاسی و ایدئولوژیک با آن برخاسته
است، به جای حاکمیت خلق و نیروهای واقعا انقلابی و
د مکرانجامه به حاکمیت و دیکتاتوری کامل و تمام عیار بورژوازی
منجر خواهد شد.

بدیهی است بورژوازی لیبرال به همه و هرگونه وسیله و
توطئه و سازشی متوسل می شود تا از انقلاب جلوگیری کرده،
مهار و رهبری آن را در دست گرفته و از سرنگونی کامل رژیم
شاه و دارودسته باند جنایتکار و دلالان بیشم سرمایه
امپریالیستی در ایران جلوگیری بعمل آورد. در این میان
بخشهایی از نمایندگان این بورژوازی که در پوشش اعتقاد به
مارکسیسم - لنینیسم به درون نهضت کمونیستی ایران رخنه
کرده اند (رویزیونیستها) از همه خطرناکتر و مبارزه با آنان
از همه دشوارتر است. اساس تئوریهها و نظرات آنها عبارت
است از:

۱ - جدا کردن مبارزه علیه دیکتاتوری شاه از مبارزه علیه
امپریالیسم و باند سیاه سرمایه داران وابسته و مزدور حاکم در
ایران، یا بعبارت دیگر سرپوش گذاشتن بر دشمن اصلی توده ها
(امپریالیسم و رژیم سرمایه داری وابسته شاه) و مسکوت گذارن
این نکته مهم که رژیم شاه تنها دیکتاتوری شاه نبوده بلکه
شامل باند سرمایه داران دلال و مرتجعین وابسته به امپریالیسم
نیز می شود.

۲ - مسکوت گذاردن یا رد راه انقلابی سرنگونی رژیم
حاکم ایران و این نکته مهم که رژیم حاکم در ایران بتمام معنی و
واقعاً سرنگون نمی شود مگر بوسیله قهر انقلابی توده ها، قیام و
مبارزه مسلحانه آنان .

۳ - مسکوت گذاردن عملی ضرورت هژمونی پرولتاریا در
این انقلاب (با طرح شعار جنبه واحد ضد دیکتاتوری به
مثابه شعار باصطلاح تاکتیکی يك دوره از مبارزه توده های خلق
ما) و ناگزیر بودن پیوست انقلاب د مکراتیک ایران با انقلاب
پرولتری و پرده افکندن بر روی این حقیقت که در عصر امپریالیسم
و احتضار و گندی دگی سرمایه داری، انقلاب د مکراتیک ایران جزئی
از انقلاب جهانی پرولتاریایی بوده و متحدین جهانی خود را
نه در میان بورژوازی لیبرال بلکه در میان کشورهای واقعاً
سوسیالیستی و پرولتاریای آگاه و رزمنده کشورهای پیشرفته
صنعتی و خلق های تحت ستم کشورهای تحت سلطه میبندد .

۴ - بورژوازی لیبرال ایران که خود تا مغز استخوان ،
مستقیم و غیر مستقیم، وابسته به سرمایه امپریالیستی بوده و روز
بروز برحده ت تضاد های آن با پرولتاریا و توده های زحمتکش
جامعه افزوده میگردد، بطور ضمنی یا آشکار، بیشرمانه جزء
نیروهای د مکرات جامعه قلمداد شده و از این نظر بر خیانت
و سازشکاری این طبقه در امر انقلاب د مکراتیک پرده ساترافکنده
می شود . همچنین با مخدوش کردن مرز میان د مکراتیسم
و لیبرالیسم، بورژوازی لیبرال جزء متحدین پرولتاریا در انقلاب
د مکراتیک قلمداد شده و بدین ترتیب راه برای همه سازش
و تسلیم کشاندن این انقلاب توسط بورژوازی لیبرال صاف

بعضی از مثال شعارهایی از قبیل " جبهه واحد ضد دیکتاتوری " ، " تبدیل دیکتاتوری شاه به دموکراسی شاه " و " جمهوری ملی " ، شعارهای بورژوا لیبرالی ای هستند که تمامی این تحریفات آشکار تسلیم طلبانه را در خود جمع دارند .

و اما آن کسانی که آزادی و استقلال اقتصادی و سیاسی ایران را همچنان در چارچوب شعارهایی چون : مشروطه طلبی ، سلطنت طلبی و تبدیل دیکتاتوری شاه به دموکراسی شاه جستجو نموده ، نابودی سلطه امپریالیسم را بدون نابودی سیستم سرمایه داری وابسته و نابودی سرمایه داری وابسته را بدون نابودی سلطه امپریالیسم ممکن شمرده ، و حاکمیت سیاسی بورژوازی مستقل و ملی را در ایران امکان پذیر میدانند ، علیرغم هر انگیزه " خیری " هم که داشته باشند ، عوام مغربیی می کنند و عوام فریبان دشمنان طبقه کارگر و توده های زحمتکش ما میباشند نیات و خواسته های واقعی آنان نه از روی حرفها و گاه ظاهرا دلسوزیهای برخی از آنان بلکه از مضمون شعارهای آنان بسا تحلیل مشخص از ماهیت سیستم سرمایه داری وابسته ایران ، چگونگی تحولات درونی جامعه و تضاد های طبقاتی موجود و اینکه عمل و شعار اینان سرانجام در خدمت چه طبقه ای قرار میگیرد ، ارزیابی میشود و محک می خورد . آزادی و استقلال سیاسی و اقتصادی ایران جز با نابودی رژیم سرمایه داری وابسته و نابودی سلطه و حاکمیت اقتصادی و سیاسی امپریالیسم و کسب قدرت سیاسی توسط پرولتاریا و توده های زحمتکش

هرگز بدست نخواهد آمد . براین اساس در سیستم هایسی چون رژیم ایران که تا مخز استخوان وابسته است ، د یسگر د مکرatism و آزادی و استقلال معنایی جز آزادی و استقلال از سلطه امپریالیسم و باند های دلال و مرتجع وابسته به آنان نخواهد داشت . حتی تصور حاکمیت سیاسی بورژوازی مستقل و ملی د در ایران بخصوص در این مرحله از وابستگی روبه انحلال سرمایه داری ایران د امپریالیسم (اگر خوشبینانه فرض کنیم) یا حکایت از ساده لوحی مفرط کسانی میکند که تصور می نمایند می توان بدون نابودی سلطه امپریالیسم به آزادی و حاکمیت ملی و مستقل رسید و می توان بدون نابودی رژیم سرمایه داری وابسته و استقرار حاکمیت خلق ، سلطه امپریالیسم را برچید و یا مشخصا بیان کننده خواست بورژوالیبرالی جریانهای است که با تلاش برای کسب هژمونی و رهبری خود برجانبش د مکرatism و کشیدن توده ها به دنبال خود ، چشم انداز شریک و سهیم شدن د در حکومت را در سر می پروراندند ، چشم اندازی که بسیار دیگر بورژوازی لیبرال ایران همچون گذشته ، به توده ها و خواستهای د مکرatism آنان خیانت کرده و با سازش با رژیم و شریک و سهیم شدن د در حکومت ، از سرنگونی کامل رژیم شاه و دارودسته باند جنایتکار د لالان بیشتر سرمایه امپریالیستی د در ایران جلوگیری بعمل آورد . از این نظر رژیم شاه را تنها د یکتاتوری فردی شاه دانستن ، آزادی و استقلال سیاسی و اقتصاد د ایران را تنها با از بین رفتن د یکتاتوری فردی شاه و بدون نابودی سلطه امپریالیسم و کل سیستم سرمایه داری وابسته ممکن دانستن ، مبارزه با دشمن اصلی و ماهوی توده ها

— امپریالیسم و رژیم شاه — را موقوف و مشروط به يك دوره مبارزه با دیکتاتوری فردی شاه — حاکمیت مطلقه یکی از جناحهای دلال — نمودن به بهانه اینکه گویا این مبارزه، يك دوره از مبارزه توده های خلق ما را تشکیل میدهد، تحریف و جعل بورژوا لیبرال منشانه ایست که میخواهد جهت اصلی مبارزه توده ها را بسمت شعارها و خواسته های رفرمیستی بورژوازی لیبرال منحرف نماید .

بنابراین هیچ دمکرات انقلابی و پیگیر د ر ایران دیگری نمیتواند سلطنت طلب، مشروطه طلب و قانون اساسی خواه باشد، هیچ دمکرات انقلابی و پیگیر نمیتواند تنها ضد دیکتاتوری فردی شاه بوده و خواستار نابودی کل سیستم سرمایه داری وابسته نباشد . اینست هم اکنون سرزمین میان دمکراتیسم و لیبرالیسم، مرز میان انقلاب و ضد انقلاب، مرز میان خاد مین و خائنین به توده ها .

خواسته های انقلابی و دمکراتیک توده های زحمتکش و دمکرات های انقلابی و پیگیر : پرولتاریا، دهقانان و خرده بورژوازی انقلابی، در تبدیل دیکتاتوری شاه به دمکراسی شاه، تبدیل دیکتاتوری باند جنایتکار شاه به دیکتاتوری باند جنایتکاران و دلالان بیشرم سرمایه امپریالیستی، تأمین نشده و فقط بسا سرنگونی کل سیستم سرمایه داری وابسته، اعم از باند تبهکار شاه و دیگر باند های دلال و بیشرم سرمایه امپریالیستی و کسب قدرت سیاسی توسط پرولتاریا و زحمتکشان و استقرار جمهوری انقلابی دمکراتیک خلق تأمین میشود .

حقانیت این امر را توده های خلق ما در هرگونه حرکت

مبارزاتی و اعتراضی با موضع شدیدا ضد امپریالیستی و ضد رژیم خویش، نشان میدهند .

کارگران، زحمتکشان، دانشجویان و توده‌های آگاه شهر و روستا، در مبارزات پرشکوه و گسترده و قیام‌های خشم‌آلود خود در تبریز، قم، زنجان، شیراز، مشهد و ۰۰۰، و با آماج حمله قرار دادن موسسات امپریالیستی و دلالتان مغفور آنسان و با رد قاطع نظام پوسیده و فوق‌ارتجاعی سلطنتی و ۰۰۰ مرز خود را با بورژوازی لیبرال و رفرمیستهای تسلیم‌طلبی که آنان را به گدایی از امپریالیسم و رژیم شاه، به گدایی " حقوق بشر " از دشمن امپریالیستی و به گدایی " دموکراسی " از رژیم جنایتکار و فاشیست شاه دعوت می‌نماید، مشخص می‌کنند .

هم‌اکنون در چنین دوره‌ای از رشد و اوجگیری مجسده جنبش‌توده‌ها برای پرولتاریا و زحمتکشان مساله مهم و اساسی بر سر این نیست که تبدیل دیکتاتوری شاه به دموکراسی شاه، تبدیل دیکتاتوری شاه به دیکتاتوری کل بورژوازی وابسته، تا چه اندازه برای آنها می‌تواند مفید باشد . مسلما پرولتاریا و توده‌های زحمتکش از هرگونه روزنه ناشی از بحران و تضاد و تناقضی در سیستم و از هرگونه عقب‌نشینی اجباری کسبه مبارزات توده‌ها به دشمن تحمیل کند، می‌تواند و بایست در جهت افشای دشمنان توده‌ها و مبارزه برای تأمین خواسته‌های استفاده کند و در این، جای شکی هم نیست، مساله اساسی بر سر اینست که در این میان منافع اساسی و دراز مدت توده‌ها در چیست، مساله بر سر اینست که بورژوازی لیبرال و نمایندگان در صفوف جنبش کمونیستی - داور دسته کمیت مرکزی حزب توده

و گروههای رسما و عملا وابسته به آن - عوامفربانه می‌کوشند
مضمون و محتوای انقلابی جنبش د مكراتيك و خواستههای
د مكراتيك توده‌ها را در محدودۀ مطالبات بورژوازی لیبرال به
بند بکشند، منافح و خواست بورژوازی را منافح و خواست توده‌ها
جلوه دهند *

مساله اساسی بر سر اینست که تحولی که می‌رود و می‌تواند
با تاکید مشخص بر شعارها و خواستههای واقعی توده‌های ما،
تبلیغ و ترویج، کار عظیم آگاهگرانه در میان آنان و بسیج و تشکل
و رهبری آنان حول خواستههای انقلابی و د مكراتيكشان، به
يك انقلاب پیروزمند د مكراتيك بینجامد، با سرپوش گذاشتن بر
خواست آنان و بالعکس با تاکید بر شعارها و خواست بورژوازی
لیبرال بعنوان خواست توده‌ها، به مشروطه سقط شده و حاکمیت
تمام عیار د یکتا توری بورژوازی وابسته بینجامد * تمام مساله بر
سر اینست!

★ ★ ★

از این نظر هم‌اکنون که بورژوازی لیبرال با پراکندن سموم
ایدئولوژیک - سیاسی خود در میان توده‌ها و اقشار آگاه
جامعه، به منحرف نمودن مبارزه توده‌های خلق ما پرداخته
است، تبلیغ شعار سرنگونی قهرآمیز رژیم وابسته به امپریالیسم
شاه‌خائن به اتکاء قیام و مبارزه مسلحانه توده‌ها، تبلیغ شعار
جمهوری انقلابی د مكراتيك خلق و همچنین مبارزه علیه نفوذ
ایدئولوژیک - سیاسی بورژوازی لیبرال و بخصوص مبارزه متحدانه
و همه جانبه علیه ترهات روزنیستی - رفرمیستی و خیانتکارانه
دارد سته کمیته مرکزی حزب توده و گروههای رسما و عملا

وابسته به آن در جنبش انقلابی و کمونیستی میهن ما، در صد ر
هد فهی مبارزه اید ثولوریک - سیاسی د مکرتهای انقلابی
و بخصوص انقلابیون کمونیست قرار میگردد .

هموطنان مبارز! د مکرتهای انقلابی! انقلابیون کمونیست!
د رد و سال گذشته، تحولات امید بخشی در جنبش
انقلابی و کمونیستی میهن ما روی داد هاست . علیرغم تلاش و
کوشش همه جانبه رژیم جنایتکار شاه د سرکوبی و نابسودی
هسته ها و سازمانهای انقلابی، ما شاهد تولد و رشد و نمو
هسته ها، محافل و گروههای متعدد انقلابی و کمونیستی
بوده ایم . پیدایش این هسته ها که خود نشانه اوجگیری مجدد
جنبش انقلابی و کمونیستی و وجه دیگری از روند رو به اعتلا
جنبش و جامعه ما است، آینده بسیار امید بخشی را در چشم
انداز راه رهنائیش خلق های ما نوید میدهد . سازمان ما
نیز بمثابه بخشی از جنبش کمونیستی ایران، د ریک ساله اخیر
به تحول نوینی دست یافت .

د رسال گذشته سازمان ما اصلی ترین نیروهایش را بینه
بازسازی د رونی و بخصوص به بررسی و بازبینی همه جانبه
نظریات حاکم برد و ره گذشته جنبش انقلابی و کمونیستی
میهنان و بررسی تحولات آینده متمرکز نمود . د ر این رابطه
بررسی و جمع بندی همه جانبه نظریات، تجارب و نتایج
د و ره های گذشته جنبش، کار ثوریک و آموزش ما رکسیسم - لنینیسم
بصورت فعال د رد ستور روز سازمان قرار گرفت . ایسن
بررسی ها نشان داد علیرغم جهتگیری ما بعد از سال ۵۲

بسمت مبارزات و جنبش‌های توده‌های و در دستور قرار دادن ارتباط سیاسی - تشکیلاتی با طبقه و توده‌ها، از آنجا که هنوز اندیشه غیر توده‌های مشی چریکی و مبارزه مسلحانه جدا از توده، برای دئولوژی، سیاست و مضمون کار تبلیغی و ترویجی ما حاکم بود، طبیعتاً اندیشه و عمل ما نمیتوانست در مجموع در خدمت بسیج، تشکل و هدایت مبارزات طبقه کارگر و توده‌ها قرار گرفته و مبارزات آنها را ارتقاء دهد و ما بتدریج به نارسائیهها، انحرافات و انتقادات اصولی‌ای بر تئوری "تبلیخ مسلحانه" و مبارزه مسلحانه جدا از توده و مبانی ایدئولوژیکی آن بطور کلی و اثرات آن بر سیاست و روشهای کار گذشته خود مان پی بردیم. این کوششها که بهمت و پیگیری اکثریت اعضا و رهبری سازمان، از اواخر سال ۵۵ شروع شد، بتدریج به جریان زنده و حیات بخشی تبدیل گشت که روح و اندیشه توده‌های مکنون در آن، تجدید تربیت ایدئولوژیکی و پاکسازی ایدئولوژی و سیاست سازمان را از شوائب ایدئولوژیهای غیر پرولتری خرده بورژوازی و روشنفکری هدف قرار داده بسود *

خوشبختانه ما هم اکنون با غلبه بر موانعی که در این راه وجود داشت و با رد قاطع مشی چریکی و مبارزه مسلحانه جدا از توده بر این هدفها دست یافته‌ایم *

بررسی و جمع‌بندی تجارب گذشته، جریان یافتن فعال آموزش مارکسیسم - لنینیسم در درون سازمان و مبارزات ایدئولوژیکی پرشمی که در طی این دوره یکساله در درون سازمان جریان داشت، به تحول نوینی در سازمان ما منجر شد که اندیشه و عمل و دیدگاههای ما را در زمینه‌های مختلف،

د چار تخييرات اساسی و انقلابی خود نمود . سازمان ما بسا
 عبور از يك جریان تجديد آموزش و كوشش برای ارتقاء دانش
 ماركسيستی - لنينيستی خود و درك عمیق تر ماركسيسم - لنينيسم
 و با عبور از يك جریان مبارزه ايدئولوژيك عليه جريانهای راست
 و " چپ " ، عليه جريان التقاطی چپ و بورژوا ليبرالی راست ،
 از پایگاه های استوارتر و محكم تر از پيش به وحدت نوين ايدئولوژيك
 سياسی - سازمانی دست يافته است و ما اينك خود را بسا
 تمام قوا برای استقبال از توفان انقلابی توده ها آماده مينمايم
 اين آمادگی در زمينه تئوريك عبارت از : حل و فصل مسایل
 تئوريك و سازمانی مرحله كنونی انقلاب دكراتيك ايران ، بررسی
 و تدوين انتقادات بر نقطه نظرات و روشهای كار گذشته و از
 نظر عملی تخصيص كليہ نیروها و امكانات سازمانی بسه كار
 آگاهگرانه سياسی در ميان طبقه كارگر و تلاش در جهت بسپج ،
 سازماندهی و تشكيل مبارزات آنها از طريق شركت در آن و
 پشتيبانی از مبارزات توده های زحمتكش خلق ، می باشد .
 ما در آينده نزدیکی نتايج جمعبندي های دوره هسلای
 گذشته ، تحليلها و انتقاداتی كه به نظر و عمل گذشته خود
 بطور اخص و مشی چريکی بطور اعم داريم ، چگونگی پروسه تحول
 نوين ايدئولوژيك - سياسی سازمان و همچنين آخرين نظرات
 خود را در باره تحولات درونی جنبش و جامعه منتشر خواهيم
 ساخت و بهمين لحاظ نیز شرح و بسط بيشتري مسائل فوق الذكر
 را بهمان نشریات موكول مينمايم . و اما اكنون آنچه برای مسا
 و ديگر انقلابيون جنبش كمونيستی و انقلابی مينهمنان ، حياتی
 و مبرم است ، آمادگی همه جانبه برای استقبال از جنبش شرا و ج .

گیرنده توده‌هاست •

ما برآنیم که در شرایطی که بار دیگر جنبش و جامعه‌مادر يك روند رو به اعتلا^۱ انقلابی سرعت پیش می‌رود، تدارك همه جانبه تئوریک — سیاسی و سازمانی برای پیوند یا جنبش طبقه و توده‌ها، کار پیگیر و فعال سیاسی در میان آنان، پاکسازی و تحکیم و وحدت صفوف کمونیستها در ارتباط با طبقه کارگر، در صد روظایف ما و تمام کمونیستهای انقلابی میهنمان قرار میگیرد فقط با چنین فعالیت‌هایی است که میتوان به استقبال شرایط متحول جامعه و جنبش‌رفت و پاسخگوی اعتلا^۲ جدید جنبش توده‌های شد و بالاخره در بستر مبارزه فعال و متحدانه علیه دشمنان توده‌ها و در پیشاپیش مبارزه توده‌هاست که بورژوازی لیبرال و نمایندگانشان در صفوف جنبش کمونیستی را هم میتوان پیروزمندانه افشا نمود •

بنا براین ما در درجه اول از تمام نیروها، گروهها، هسته‌ها، محافل و عناصر جنبش کمونیستی میهنمان هصرانه میخواهیم که مساله وحدت صفوف جنبش کمونیستی را در ارتباط با طبقه کارگر و در جهت تشکیل حزب پرولتاریایی، بصورت جسدی در صد روظایف و کار خود قرار داده و بضرورت نوین وحدت طلبی جنبش کمونیستی میهنمان پاسخ دهند •

ما بسهم خود آماده هستیم تمام نیرو و امکانات سازمانی — مان را در این راه بکار گرفته و ضمن اینکه پیشنهادات و نظرات خود مان را در مورد چگونگی حصول وحدت مارکسیست — لنینیستها مطرح خواهیم نمود، از هر برنامه و پلاتفرم و شعار سازمانی‌ای که واقعا بتواند بیان وحدت صفوف این مرحله

جنبش کمونیستی میهن ما و هموارکننده راه برای تشکیل حزب
کمونیست باشد، با تمام قوا استقبال می‌کنیم *

پیش‌سوی ارتباط با جنبش توده‌ها!

پیش‌سوی تشکیل حزب طبقه کارگر!

نابود باد رژیم سرمایه داری وابسته شاه خائن!

برقرار باد رژیم جمهوری انقلابی دمکراتیک خلق!

سازمان مجاهدین خلق ایران

اسفند ۱۳۵۶

هموطنان مبارز!

با ما از طریق ارگان خارج از کشور سازمان به آدرس
"کمیته پشتیبانی از خلقهای ایران" مکاتبه نمایید.
آدرس "کمیته پشتیبانی از خلقهای ایران":

P. O. BOX 246 . CRATER . ADEN .

PEOPLE'S DEMOCRATIC REPUBLIC OF YEMEN

ضمناً میتوانید کمکهای مالی خود را از طریق آدرس زیر برای ما

ACCOUNT NO. 59397 .

ارسال دارید :

NATIONAL BANK OF YEMEN

TOWAHI BRANCH. ADEN. P. D. R. Y.

توجه داشته باشید برای اینکه کمکهای مالی و نامه های
شما بدست مزدوران ساواک نیفتد، نباید آنها را مستقیماً به
آدرس های فوق پست نمایید .

کمکهای مالی و نامه های خود را برای یکی از خویشاوندان
دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور بفرستید و از آنها
بخواهید که آنها را به آدرسهای فوق پست نمایند .

هموطنان مبارز!

به برنامه فارسی صدای انقلاب عمان که هر هفته روزهای
شنبه، دوشنبه و چهارشنبه از ساعت ۲۰-۲۰ الی ۳۰-۲۰
دقیقه روی موج کوتاه ردیف ۶۰ / ۴۱ متر پخش می شود،
گوشد دهید .

**MESSAGE OF THE
ORGANIZATION OF MOJAHEDDEEN
OF THE PEOPLE OF IRAN
TO
ALL THE REVOLUTIONARY FORCES
OF IRAN:
REVOLUTIONARY DEMOCRATS
AND COMMUNIST REVOLUTIONARIES**

تکثیر توسط
اتحادیه دانشجویان ایرانی در آمریکا

۲۰ آوریل ۱۹۷۸